

عرش الله

¹بَعْدَ هَذَا تَطَلَّرْتُ، وَإِذَا بَابٌ مَفْتُوحٌ فِي السَّمَاءِ وَالصَّوْتُ
الْأَوَّلُ الَّذِي سَمِعْتُهُ كَبُوفٍ يَتَكَلَّمُ مَعِيَ قَائِلًا: اصْعَدْ إِلَى
هُنَا فَأَرِيكَ مَا لَا بُدَّ أَنْ يَصِيرَ بَعْدَ هَذَا.² وَلِلْوَقْتِ صِرْتُ فِي
الرُّوحِ، وَإِذَا عَرْشٌ مَوْضُوعٌ فِي السَّمَاءِ وَعَلَى الْعَرْشِ
جَالِسٌ،³ وَكَانَ الْجَالِسُ فِي الْمَنْظَرِ شَبْهَ حَجَرِ الْيَسَبِ
وَالْعَفِيقِ وَقَوْسُ فَرْحٍ حَوْلَ الْعَرْشِ فِي الْمَنْظَرِ شَبْهَ
الرُّمُودِ.⁴ وَحَوْلَ الْعَرْشِ أَرْبَعَةٌ وَعِشْرُونَ عَرْشًا، وَرَأَيْتُ
عَلَى الْعُرُوشِ أَرْبَعَةً وَعِشْرِينَ شَيْخًا جَالِسِينَ مُتَسَرِّلِينَ
بِثِيَابٍ بَيْضٍ وَعَلَى رُؤُوسِهِمْ أَكَالِيلٌ مِنْ ذَهَبٍ.⁵ وَمِنْ
الْعَرْشِ يَخْرُجُ بُرُوقٌ وَرُعُودٌ وَأَصْوَاتٌ، وَأَمَامَ الْعَرْشِ
سَبْعَةُ مَصَابِيحٍ تَارٍ مُتَقَدَّةٌ هِيَ سَبْعَةُ أَرْوَاحِ اللَّهِ. وَفُدَّامَ
الْعَرْشِ بَحْرٌ رُجَاجٍ شَبْهَ الْبَلُورِ، وَفِي وَسْطِ الْعَرْشِ
وَحَوْلَ الْعَرْشِ أَرْبَعَةُ حَيَوَاتٍ مَمْلُوءَةٌ عُيُونًا مِنْ فُدَّامٍ
وَمِنْ وَرَاءِ.⁷ وَالْحَيَوَاتُ الْأَوَّلُ شَبْهَ أَسَدٍ وَالْحَيَوَاتُ الثَّانِي
شَبْهَ عِجَلٍ وَالْحَيَوَاتُ الثَّلَاثُ لَهُ وَجْهٌ مِثْلُ وَجْهِ إِنْسَانٍ
وَالْحَيَوَاتُ الرَّابِعُ شَبْهَ نَسْرٍ طَائِرٍ.⁸ وَالْأَرْبَعَةُ الْحَيَوَاتُ
لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهَا سِنَّةٌ أَجْنَحَةٌ، حَوْلَهَا وَمِنْ دَاخِلِ مَمْلُوءَةٌ
عُيُونًا، وَلَا تَزَالُ تَهَارًا وَلَيْلًا قَائِلَةً: قُدُّوسٌ، قُدُّوسٌ،
قُدُّوسٌ، الرَّبُّ إِلَهُ الْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، الَّذِي كَانَ
وَالْكَائِنُ وَالَّذِي بَاقِي.⁹ وَجِيئًا تُعْطِي الْحَيَوَاتُ مَجْدًا
وَكِرَامَةً وَشُكْرًا لِلْجَالِسِ عَلَى الْعَرْشِ، الْحَيِّ إِلَى أَبَدِ
الْأَبَدِينَ.¹⁰ يَخْرُجُ الْأَرْبَعَةُ وَالْعِشْرُونَ شَيْخًا فُدَّامَ الْجَالِسِ
عَلَى الْعَرْشِ وَيَسْجُدُونَ لِلْحَيِّ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ،
وَيَبْتَخِرُونَ أَكَالِيلَهُمْ أَمَامَ الْعَرْشِ قَائِلِينَ: أَنْتَ مُسْتَحَقٌّ،
أَيُّهَا الرَّبُّ، أَنْ تَأْخُذَ الْمَجْدَ وَالْكَرَامَةَ وَالْقُدْرَةَ لِأَنَّكَ أَنْتَ
خَلَقْتَ كُلَّ الْأَشْيَاءِ وَهِيَ بِإِرَادَتِكَ كَانَتْهُ وَخُلِقَتْ.

تاج و تخت خدا

¹بعد از این دیدم که ناگاه دروازه‌ای در آسمان باز
شده است و آن آواز اوّل را که شنیده بودم که چون
کَرْنَا با من سخن می‌گفت، دیگر باره می‌گوید: به اینجا
صعود نما تا اموری را که بعد از این باید واقع شود به
تو بنمایم.² فی‌الغور در روح شدم و دیدم که تختی در
آسمان قائم است و بر آن تخت نشینده‌ای.³ و آن
نشیننده، در صورت، مانند سنگ یشم و عقیق است و
قوس‌فزحی در گرد تخت که به منظر شباهت به زمرد
دارد.⁴ و گرداگرد تخت، بیست و چهار تخت است، و بر
آن تختها بیست و چهار پیر که جامهای سفید در بر
دارند نشسته دیدم و بر سر ایشان تاجهای زرین.⁵ و از
تخت، برقها و صداها و رعدها برمی‌آید؛ و هفت چراغ
آتشین پیش تخت افروخته که هفت روح خدا
می‌باشند.⁶ و در پیش تخت، دریایی از شیشه مانند بلور
و در میان تخت و گرداگرد تخت چهار حیوان که از
پیش و پس به چشمان پر هستند.⁷ و حیوان اوّل مانند
شیر بود؛ و حیوان دوّم مانند گوساله؛ و حیوان سوّم
صورتی مانند انسان داشت؛ و حیوان چهارم مانند
عقاب پرنده.⁸ و آن چهار حیوان که هر یکی از آنها
شش بال دارد، گرداگرد و درون به چشمان پر هستند
و شبانه‌روز باز نمی‌ایستند از گفتن: قُدُّوس، قُدُّوس،
قُدُّوس، خداوند خدای قادر مطلق، که بود و هست و
می‌آید.⁹ و چون آن حیوانات جلال و تکریم و سپاس به
آن تختنشینی که تا ابدالآباد زنده است
می‌خوانند،¹⁰ آنگاه آن بیست و چهار پیر میافتند در
حضور آن تختنشین و او را که تا ابدالآباد زنده است
عبادت می‌کنند و تاجهای خود را پیش تخت انداخته،
می‌گویند:¹¹ ای خداوند، مستحقّی که جلال و اکرام و
قوّت را بیایی، زیرا که تو همه موجودات را آفریده‌ای
و محض اراده تو بودند و آفریده شدند.